

# مسیر اصلاح از نقد خویشتن عبور می کند

ف- حسنی

ما از دیگران صرفاً معطوف به تخریب طرف مقابل خواهد بود. باید از خود پرسیم که آیا هرگز خود را در معرض نقد قرار داده‌ایم یا این که به بهانه‌های گوناگون عملکرد گذشته خود را توجیه کرده‌ایم؟ در این رابطه ذکر چند نکته ضروری است.

۱- برخلاف تصور برخی، نقد مستمر از خود و جریان‌هایی که به آن تعلق داریم، نه تنها تضعیف‌کننده نخواهد بود، بلکه منجر به بالارفتن توان و ظرفیت ما خواهد شد و در سطح کلان نیز توان ملی را افزایش خواهد داد. چرا که به دلیل نقدپذیری، اشتباه‌ها تداوم نخواهد یافت و ناچار از پرداخت هزینه‌های سنگین‌تر در مراحل بعدی نخواهیم شد.

۲- برخورد شفاف و صادقانه با خطاهای شخصی بخصوص در سطح مسئولین موجب جلب اعتماد عمومی می‌گردد و خوش‌بینی را در قلوب مردم زنده نگاه می‌دارد، در حالی که طفره‌روی از بیان اشتباه‌ها، حاصلی جز بی‌اعتمادی و تنفر نخواهد داشت.

۳- عدم برخورد با خطاهای خود و توجیه آن‌ها زمینه‌ای را برای انجام خطاهای بزرگتر فراهم می‌آورد. این که خود را در مقابل خدا پاسخ‌گو ببینیم و توبه مستمر را سرلوحه کار خود قرار دهیم، تنها راه‌هایی از دست شیطان رنجیم است.

۴- عدم برخورد با خطاهای گذشته و تن ندادن به انتقاد از خود و این که همواره خود را حق به‌جانب بدانیم و به دیگران اجازه ابراز نظر ندهیم، ما را به وادی خود برتر بینی و خود خدایی سوق خواهد داد. شاید اگر در ریشه‌یابی حذف‌های این دو دهه بیشتر دقت می‌کردیم، ریشه بسیاری از این برخوردها را در خودبتر بینی می‌دیدیم.

۵- اگر بزرگان و دست‌اندرکاران از موضعی خالصانه و اصلاح‌جویانه از مواضع خویش انتقاد کنند، با توجه به آن که به دلیل محدودیت، یک رشته از خطاهای انسانی گریزناپذیر است، الگوی نسل جوانی خواهند شد که مدیران فردای ایران هستند. قرآن کریم الگوهای بسیاری از بازگشت و انابه مصلحین را نشان می‌دهد. در آن‌جا که حضرت موسی (ع) بعد از قتل غیرعمدی آن مرد قبطی می‌گوید: "رب انی ظلمت نفسی فاغفر لی" پروردگارا من بر خویشتن ستم کردم مرا ببخش" (قصص - ۱۶ ترجمه فولادوند) و حتی در حضور دشمن اصلی خود فرعون از اعتراف به آن ابایی نداشته و صراحتاً می‌فرماید: "انا فعلتها اذاً و انا من الضالین" گفت آن را هنگامی مرتکب شدم که از گمراهان بودم" (شعرا - ۲۰ ترجمه فولادوند)

یا آن‌جا که حضرت یونس (ع) بعد از ترک مردم و گرفتار آمدن در آن ابتلا، خاضعانه ندا سر می‌دهد: "انی کنت من الظالمین" راستی که من از ستمکاران بودم" (انبیا - ۸۷ ترجمه فولادوند).

هنگامی که اولین خلیفه خدا بر زمین یعنی حضرت آدم (ع) بعد از نزدیک شدن به شجره ممنوع کلام توبه را از خداوند فرا می‌گیرد و به همراه همسرش "ربنا ظلمنا انفسنا" ما به خویشتن ستم کردیم، را بر زبان می‌آورد، آیا نباید ما ذریه آدم که ادعای توحید داریم، خاضعانه خویشتن را نقد کنیم؟

مرحوم طالقانی می‌گوید: تزکیه همان پاک کردن از آلوده‌ها به همراه رشد و نمود است. از نوسازی، تذکر و تزکیه است که سرچشمه‌های معارف و خیر خود بخود می‌جوشد و افراد نو ساخته‌اند که می‌توانند پایه محکم اجتماع سالم و عادل شوند. (پرتوی از قرآن، تفسیر سوره عبس).

مهندس عزت الله سحابی در گفت‌وگویی با روزنامه آریا شماره ۲۳ دی‌ماه به افشای گفتمان! درون زندان و علت دستگیری در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۶۹ پرداخت. گرچه ایشان در این گفت‌وگو بخشی از حقایق پنهان دوران اخیر را روشن نمود و به نقد بازی‌های پشت پرده سیاستمداران نیز پرداخت، ولی مهم‌تر از همه این‌ها، انتقاد آقای مهندس سحابی از خود بود.

ایشان در بخشی از این گفت‌وگو می‌گویند: ... در بازجویی به من اعلام کردند که رفقای شما را گرفته‌ایم. البته این جوری به من وانمود کردند و این جوری برای من ساختند که آقای مهندس بازرگان و دکترابراهیم یزدی، این‌ها همه اعلام کرده‌اند که این نامه را تو نوشته‌ای. خوب من تعجب کردم، چون اولاً

متن نامه را من ننوشتم. ثانیاً اصلاً نامه را به اصرار مرحوم

مهندس بازرگان امضا کردم. خوب این‌ها این‌طوری به من دروغ گفتند. لذا من از همان اول فکر کردم که این نیروهای خودی خواستند

ما را بدهند دم تیر آقایان. به خاطر همین، یک مقلاری برآشفتند. البته این ایراد وارد است که چرا باور کردم، ولی خوب

باور کردم و تا آخر این‌طوری با من بازی می‌کردند... بعد این‌ها گفتند، خوب، تو چرا از نهضت‌آزادی آمدی بیرون؟ من دلایل خودم را به آن‌ها گفتم. این هم اشتباه دوم من بود و این را هم بایستی نمی‌گفتم. یعنی درست است که واقعیت داشت که من با نهضت مشکلاتی داشتم، اما این مشکلات را نباید با آن‌ها در میان می‌گذاشتم... شرایط سختی بود. درست است که من خودم شکنجه نمی‌شدم، ولی صدای داد و فریاد و کتک‌هایی که به دیگران می‌زدند، می‌شنیدم و آن ۶ ماه هم فوق‌العاده حالات بدی را گذرانیدم...

در طول دو دهه بعد از انقلاب، چند شخصیت یا مسؤول را سراغ داریم که این چنین صادقانه به انتقاد از اعمال خود و خطاهای انجام شده دست زده باشد؟ با توجه به آن که همه به این امر معترفند که در معرض اشتباه و خطا هستند، تاکنون چند تن از این بزرگواران به نقد خود نشسته‌اند؟ گویا بازشدن فضای نقد بعد از دوم خرداد برای بسیاری از ما به معنای این بوده است که تنها به نقد دیگران بپردازیم! غافل از آن که بدون نقد عملکرد خویش، انتقاد

